**حدیث یازدهم**

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ‌، قَالَ‌: **قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ ‌: «مَا قَسَمَ اللّٰهُ لِلْعِبَادِ شَیْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ‌؛ فَنَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهَرِ الْجَاهِلِ‌، وَ إِقَامَةُ الْعَاقِلِ أَفْضَل مِنْ شُخُوصِ الْجَاهِلِ‌، وَ لَا بَعَثَ اللّٰه نَبِیّاً وَ لاَ رَسُولاً حَتّىٰ یَسْتَکْمِلَ الْعَقْلَ‌، وَ یَکُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ عُقُولِ جَمِیعِ أُمَّتِهِ‌، وَ مَا یُضْمِرُ النَّبِیُّ فِی نَفْسِهِ أَفْضَلُ مِنِ اجْتِهَادِ الْمُجْتَهِدِینَ‌، وَ مَا أَدَّى الْعَبْدُ فَرَائِضَ اللّٰهِ حَتّىٰ عَقَلَ عَنْهُ‌، وَ لا بَلَغَ جَمِیعُ الْعَابِدِینَ فِی فَضْلِ عِبَادَتِهِمْ مَا بَلَغَ الْعَاقِلُ‌، وَ الْعُقَلاءُ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ الَّذِینَ قَالَ اللّٰهُ تَعَالىٰ‌: «إِنَّمٰا یَتَذَکَّرُ أُولُوا الْأَلْبٰابِ‌».**

محورهای اصلی حدیث

**محور اول: مَا قَسَمَ اللّٰهُ لِلْعِبَادِ شَیْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ ...**

**محور دوم:** **فَنَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهَرِ الْجَاهِلِ ...**

**محور سوم: وَ لَا بَعَثَ اللّٰه نَبِیّاً وَ لاَ رَسُولاً حَتّىٰ یَسْتَکْمِلَ الْعَقْلَ‌، وَ یَکُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ عُقُولِ جَمِیعِ أُمَّتِهِ حتَّی یَستَکمِل العَقل ...:**

**دراین محور وجوهی را می­بایست متذکر شویم:**

**وجه اول:** فعل "یَستَکمِل" به صیغه معلوم خوانده شود و "ضمیر مستتر" در آن به نبی بر می‌گردد و "ال" به (هو) در "یستکمل" بازگشت دارد.

خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده، مگر اینکه عقلش را کامل نموده است.

**وجه دوم:** ضمیر در "یَستَکمِل" به الله برگشته و "ال" یعنی عقل خود نبی.

**وجه سوم:** فعل "یَستَکمِل" به صیغه معلوم خوانده شود و "ال" عوض الناس یا "ال" جنس باشد.

بدین معنا که انبیاء آمده‌اند تا عقول مردم و یا عقل را به کمال برسانند.

**به نظر استاد این نظر صحیح‌تر است.** زیرا تا عقل انبیاء کامل نباشد آنها مبعوث نمی‌شوند تا بتوانند عقل سایر مردم را به کمال برسانند.

**امیر‌المومنین می‌فرماید**: **فَبَعَثَ فِیهِمْ رُسُلَهُ ... وَ یُثِیرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ؛** پس پیامبران را به سویشان فرستاد تا خردهایشان را که در پس پرده‌های غفلت نهفته بود، بیدار کرده و به شکوفایی برسانند. (نهج البلاغه/خ 1)

**وجه چهارم:** فعل "یُستَکمَل" به صورت مجهول خوانده شود.

محور چهارم: **وَ مَا یُضْمِرُ النَّبِیُّ فِی نَفْسِهِ أَفْضَلُ مِنِ اجْتِهَادِ الْمُجْتَهِدِینَ ...**

پیامبر به سبب معرفت و شناخت عمیقش، تلاشی فراتر و ارزشمندتر از همه تلاشگران دارد. او با برخورداری از عقل و نیت خالص، کوشش‌های خود را به مرتبه‌ای والاتر می‌رساند.

محور پنجم**: وَ مَا أَدَّى الْعَبْدُ فَرَائِضَ اللّٰهِ حَتّىٰ عَقَلَ عَنْهُ ...**

بنده، واجبات إلهی را اداء نمی‌کند، مگر اینکه آن فرائض و احکامش را از خداوند أخذ کرده باشد.

لغت‌شناسی

این کلمه بیشتر در کتب لغت، در باب دیه به کار رفته است.

**عقل عنه:** عطا کردن، جنایت او را ادا کردن.

**عقل إلیه:** إلتجاء کردن

**عقل عن الله**: أی عرف عنه و أخذ عنه (مجمع البحرین)

**نمونه‌هایی از روایات که عبارت (عقل عنه) به معنای (أخذه) می‌باشد:**

1. اصول کافی؛ در روایت **13** باب عقل و جهل چنین بیان شده، **من لم یَعقِل عَن الله** ... .
2. أمالی؛ **کَم مِن عاقِلٍ عَقَلَ عَنِ اللّه ِأمرَهُ و هُو حَقیرٌ عِندَ النّاسِ**... .
3. تحف العقول؛ **ما العاقِلُ إلاّ مَن عَقَلَ عَنِ اللّه و عَمِلَ لِلدّارِ الآخِرَةِ.**
4. اصول کافی؛ **ینبغی لمن عقل عن الله لایستبتعه فی رزقه... .**
5. مجموعه ورام؛ **امیرالمومنین: لَقَدْ سَبَقَ اِلى جَنّاتِ عَدْنٍ اَقْوامٌ ما کانوا اَکْثَرَ النّاسِ لا صَوْما وَ لا صَلاةً وَ لا حَجّا وَ لاَ اعْتِمارا وَ لکِنَّهُمْ عَقَلوا عَنِ اللّه ِمَواعِظَهُ؛**

**امیرالمومنین: اعْقِلُوا الْخَبَرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ رِعَایَةٍ لَا عَقْلَ رِوَایَةٍ، فَإِنَّ رُوَاةَ الْعِلْمِ کَثِیرٌ وَ رُعَاتَهُ قَلِیلٌ.**

ظهور روایات در مورد عبارت (**عَقَلَ عَن**)، معنای دریافت علم و معرفت از جانب خداوند را می‌رساند.

نظر شارحین

دسته اول: (عقل عن) یعنی علم را مستقیماً از خداوند أخذ می‌کند. (این مورد باطل است)

دسته دوم: (عقل عن) یعنی دریافت علم از خداوند تنها از طریق انبیا صورت می‌پذیرد، و این دیدگاه نفی‌کننده اعتبار قیاس و اجتهاد بر اساس رأی شخصی است. (مورد تأیید استاد)

دسته سوم: (عقل عن) یعنی أخذ علم را غیرمستقیم از خداوند دریافت کند، که مخصوص علماء می‌باشد.

دسته چهارم: (عقل عن) یعنی خداشناسی و معرفت إلهی، سبب کسب علم شده است.

نظر استاد:

همه معارف دینی، شامل اصول اعتقادی، اخلاقی، فقهی و احکام الهی، تنها از یک منبع اصلی و قابل اعتماد استخراج می‌شوند؛ یعنی "کتاب (قرآن)" و "سنت (گفتار و رفتار پیامبر و اهل‌بیت )". اما نکته مهم این است که این معارف، بدون واسطه‌ی "معصومین "قابل دریافت و فهم دقیق نیستند.

ائمه معصومین به دلیل عصمت و جایگاه ویژه‌ای که در دین دارند، تنها کانالی هستند که تفسیر درست و حقیقی معارف الهی را ارائه می‌دهند. بنابراین، برای دسترسی به حقیقت دین و فهم درست آن، باید از راهنمایی و آموزه‌های معصومین بهره‌مند شد.